



حضرت عباس محو در مقام اطاعت است/ سلوک دینی قمر بنی هاشم(ع)

بی آزار تهرانی گفت: اگر می بینید عبودیتی وجود دارد به خاطر این است که حضرت عباس محو در مقام اطاعت است.

اگر کسی به مقام اطاعت رسید بنده خدا خواهد شد.

بی آزار تهرانی گفت: اگر می بینید عبودیتی وجود دارد به خاطر این است که حضرت عباس محو در مقام اطاعت است. اگر کسی به مقام اطاعت رسید بنده خدا خواهد شد.

به گزارش خبرنگار مهر، نظری به روایات مربوط به قمر بنی هاشم(ع) و همچنین زیارتنامه آن حضرت، نشان از مقام رفیع آن حضرت و همچنین تاکید بر خصوصیتی نظیر اطاعت و وفاداری است.

حجت الاسلام بی آزار تهرانی در خصوص سوالی مبنی بر معنای عبارت «عبدالصالح»؛ در مورد حضرت عباس(ع) که در زیارتنامه آن حضرت آمده است، به خبرنگار مهر گفت: عبودیت فوق مسئله عبادت است. ممکن است کسی یک عمر عبادت کند ولی عبد نباشد. عبد صالح خدا قرار گرفتن را باید در تعبیر بعدی زیارتنامه دقت کنیم. «المطیع لله و لرسوله و لأئمةالمؤمنین و الحسن و الحسین»؛ یعنی اطاعت از امر ولی و مطیع بودن در برابر خدا و اهل بیت. این اطاعت محض، مخصوص قمر بنی هاشم است.

چشاندن علم به حضرت عباس(س) توسط امیرالمومنین(ع)

وی ادامه داد: امیرالمومنین می فرماید که من حقیقت علم و معرفت توحیدی و ولایی را در وجود عباس وقتی در گهواره بود، نهادینه کردم. «ذق العلم ذقا»؛ یعنی علم را چشیدند. جوجه هایی که توان غذا خوردن ندارند، پرنده بزرگتر این غذا را در وجود خود هضم می کند و خودش به کام فرزندش می گذارد. لذا آقا امیرالمومنین می فرماید اسرار توحید و ولایت را من وقتی عباس در قنداقه بود در وجودش به دست خودم چشاند.

این کارشناس دینی گفت: مرحوم کلیاسی می نویسد که حضرت عباس دو ساله بود که در بغل امیرالمومنین نشست و بودند و امیرالمومنین به او فرمود بگو واحد، حضرت جواب داد. فرمودند بگو ثانی. دیدند جوابی نیامد. امیرالمومنین سه بار تاکید کردند. در آخر قمر بنی هاشم فرمودند که پدر جان اگر امر ولایی شماست من می گویم ثانی. امیرالمومنین با تعجب دلیل را جویا شدند. قمر بنی هاشم فرمود با زبانی که «یک»؛ گفته ام خجالت می کشم در محضر حق تعالی «دو»؛ را بر زبان جاری کنم. یعنی همه وجود عباس توحید است حتی در دو سالگی.

حضرت عباس محو در مقام اطاعت است

وی ادامه داد: اگر می بینید عبودیتی وجود دارد به خاطر این است که حضرت عباس محو در مقام اطاعت است. اگر کسی به مقام اطاعت رسید بنده خدا خواهد شد. شیطان با همه عبادت هایی که داشت یک لحظه تمرد کرد و اطاعت خدا را کنار گذاشت و شیطان شد.

بی آزار تهرانی افزود: ممکن است خیلی ها یک عمر عبادت کنند ولی در یک لحظه نافرمانی و عدم اطاعت از حیطة بندگی و عبودیت خارج شوند. همه وجود حضرت عباس محو در ولایت است. عبارت دیگری نیز وجود دارد که می فرماید «قِنْعَمَ الْاُخَ الْمُوَاسِي»؛ این مواسات یعنی عباس(ع) کسی است که هیچ چیزی غیر از مولای خودش را ندید. لذا چون فانی در ولایت بود به مقام عبودیت رسید.

این کارشناس دینی ادامه داد: ایشان همیشه نسبت به امر ولی تبعیت می کرده اند. لذا تابع بودن سند عبد صالح شدن خواهد بود.

نافذالبصیره به چه معناست؟

وی در خصوص معنای روایتی که حضرت عباس(ع) را نافذ البصیره می خواند گفت: امام صادق(ع) فرمودند خدا رحمت کند عموی ما را که نافذ البصیره بود.

این واعظ دینی ادامه داد: او پسر کسی است که فرمود «لو كشف الغطاء ما ازدت يقينا»؛ یعنی اگر پرده ها کنار رود چیزی به علم امیرالمومنین اضافه نمی شود. عباس بن علی کسی است که بخاطر همین مقام ولایت و اطاعت پذیری هیچ حجابی در مقابل چشم او نیست. لذا می بینید که وقتی دشمن برای حضرت ابوالفضل (ع) امان نامه می آورد، چیزی که باعث می شود آن موضع محکم را در مقابل دشمن بگیرد همین بصیرت است.

وی ادامه داد: عباس (ع) شب عاشورا برادران خود را جمع می کند و می فرماید تا امام حسین و بنی هاشم و فرزندان حضرت زهرا (س) زنده اند ما باید فدایی آنها باشیم. لذا از برادران خود برای فدایی شدن برای اباعبدالله (ع) عهد می گیرد. همه اینها دلالت بر این دارد که بصیرت ایشان و پیدا کردن راه برای ایشان ویژه بوده است.

این کارشناس دینی افزود: اصل معنا بر همین است که عباس (ع) کسی است که در سلوک دینی خود لحظه ای درنگ نمی کند و خط را گم نمی کند. ایشان فرزند راه مستقیم خدا امیرالمومنین است. کسی که حتی یک لحظه نگاه خود را منحرف از این راه نکرده حضرت ابوالفضل العباس است. لذا بخاطر همین نافذ البصیره می گردد.

حجت الاسلام بی آزار تهرانی در خصوص زیارتنامه حضرت عباس (ع) گفت: اولاً زیارتنامه قمر بنی هاشم عظمت ایشان را اثبات می کند و اگر هیچ فضل و فضیلتی از ایشان نداشته باشیم، همین زیارتنامه که از سوی معصوم صادر شده است کافی است. بین امام زادگان ما دو امامزاده هستند که معصوم زیارتنامه آنها را نقل کرده است. یکی حضرت معصومه (س) که زیارتنامه ایشان از امام رضا نقل شده و یکی حضرت عباس (ع) که زیارتنامه ایشان از امام صادق (ع) نقل شده است. بالاترین عظمت در همین زیارتنامه ذکر شده است.

خطاب عجیب امام حسین (ع) نسبت به حضرت عباس (ع)

وی در پایان افزود: یکی از مسائلی که عقل را متحیر می کند این است که با اینکه همه فیوضات عالم دست سیدالشهداست، همه بازار گرمی خدای متعال و توحید در گرمی بازار امام حسین است و همه عالم را خدا به پای امام حسین ریخته است که وتر موتور است یعنی یکتاست، اما با همه این احوال حضرت عباس (ع) به جایی رسیده که محور عالم یعنی سید الشهدا به ایشان خطاب می کند «إِرْكَبْ يَنْفَسِي أَنْتَ يَا أَخِي»؛ سیدالشهدا می فرماید من به فدای عباس. این جمله جز حیرت چیزی به همراه نمی آورد که امام جان خویش را فدای عباس (ع) می خواند.

عالم زیر سایه حضرت عباس است

آیت الله محمدعلی جاودان نیز در مورد حضرت عباس و زیارتنامه ایشان می گوید: چه کسی هست که به درگاه ایشان امیدوار نیست؟ عالم زیر سایه حضرت عباس است. ایشان زیر سایه حضرت حسین (ع) است. مثالش را فرمودند مثل ماه و خورشید است. ماه هرچه دارد، از خورشید دارد و نورش همه عالم را می گیرد.

وی می افزاید: زیارت حضرت عباس (ع) نظیر زیارت حضرت مسلم است. ما کمتر حضرت مسلم (ع) را می شناسیم. در زیارتنامه آمده است «أَشْهَدُ وَأَشْهَدُ اللَّهُ»؛ یعنی من شهادت می دهم و خدا را شاهد می گیرم. «أَنَّكَ مَصِيَّتٌ عَلَى مَا مَصَى إِلَيْهِ الْبَدْرِيُّونَ وَالْمَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ که تو بر آن راهی رفتی که مجاهدین گذشته اسلام که در جنگ بدر شهید شدند، یا آنهاپی که در دوره های دیگر در راه خدا شهید شدند، رفتند. تو نیز همان راه را رفتی.

آیت الله جاودان ادامه می دهد: فراز دیگر زیارتنامه می گوید «الْمُنَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادٍ أَعْدَائِهِ»؛ در زبان عربی نصیحت به معنای پند نیست. در زبان فارسی نصیحت به معنای پند است. در زبان عربی به معنای خیرخواهی است. آن کسانی که برای خدا خیر می خواستند، در جهاد با دشمنان او، «الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ»؛ یعنی آنها که در نصرت اولیاء خدا آنچه که توانستند کردند. «الدَّائِبُونَ عَنْ أَحِبَّائِهِ»؛ آنها که از دوستان خدا دفاع کردند. لذا به حضرت عباس عرضه می داریم، شما هم همان راه را رفته ای.

وی می افزاید: در قسمت دوم می فرماید «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالِغْتَ فِي النَّصِيحَةِ»؛ یعنی من شهادت می دهم که تو در خیرخواهی مبالغه کردی. نصیحت به معنای خیرخواهی است. لذا به حضرت عرضه می داریم شما حداعلاي خیرخواهی را عمل کردی. «وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ»؛ یعنی شما بالاترین مرتبه کوشش را در این راه انجام دادی. دیگر کسی نمی توانست کاری بیشتر از آن که تو کردی بکند. هیچ کس نتوانست بکند. آنچه توانستی

در حد اعلاى ممکنى که یک انسان مى تواند کوشش کردى.

آيت الله جاودان با طرح اين سوال که چرا ما نمى توانيم اينگونه باشيم و اين مسير را طى کنيم مى گويد: ببينيد ما هم مى خواهيم اينگونه باشيم اما نمى توانيم. چرا؟ بخاطر ضعفى است که در شخصيت ماست. اگر شخصيت به حد کمال برسد که ما اسمش را انسان کامل مى گذاريم، اگر شخص انسان کامل شود، مى تواند تمام کوشش خود را در راهى که مى خواهد به کار ببرد.

وى ادامه مى دهد: اينکه وقتى جمعيت دشمن زياد مى شود، من مى ترسم، بخاطر کمبود شخصيت من است. اگر خواستند به من رشوه بدهند، ممکن است بلغزم، اين بخاطر ضعف شخصيت من است. ثمره هر ضعف شخصيتى اين است که ممکن است من نتوانم کارى که بايد را انجام دهم. حالا اينجا مى فرمايد شما آنچه که یک انسان مى توانست نسبت به امامش و در وظيفش نسبت به امامش بکند، هرچه بود و هرچه مى توانستى کردى. «أَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ» يعنى بالاترين مرتبه کوشش خودت را انجام دادى.

مقامى که بالاتر از آن جايى نيست

آيت الله جاودان مى افزايد: فراز بعد اين است که «فَبَعَثَ اللَّهُ فِي الشُّهَدَاءِ وَ جَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ السُّعَدَاءِ» يعنى خدا تو را در ميان شهدا مبعوث کند و روح تو را همراه سعيدان محشور کند. در ادامه مى فرمايد تو را با انبياء و اولياء و با پدران محشور کند. حضرت ابراهيم(ع) بعد از هشتاد سال مجاهدت و رياضت وقتى به او گفتند سر پست را ببر، وقتى کارد را گذاشت که ببرد، به ايشان اجازه دادند همراه محمد و آل محمد(ص) باشد. حالا ما در اين فراز زيارتنامه در مورد حضرت عباس(ع) دعا مى کنيم يا اينکه خبر مى دهيم خدا تو را با پدران، محشور مى کند، يعنى با اميرالمومنين. يعنى همان چيزى که حضرت ابراهيم یک عمر آرزو داشته است و بعد از اينکه توانست آن امتحان بزرگ را به خوبي انجام دهد، به ايشان گفتند به آن مقام رسيدى، حالا ما مى گوييم که خدا حضرت عباس(ع) را با آن چهارده تن قرار داد. يعنى وقتى به حضرت عرضه مى داريم آنچه که توانستى، انجام دادى، نتيجه اينکه تو را به مقامى بردند که بالاتر از آن جايى نيست.